سرمقاله:

اخلاق کارگزاران

حسین ملایی
مدیر مسؤول

فلسفهٔ وجودی نظام اداری، خدمتگزاری به مردم است و همهٔ کارگزاران و کارکنان در تمام مراتب خادمان مردم‌اند. مادام که چنین احساسی وجود داشته باشد، کارگزاران و کارکنان نظام اداری با مردم رفتار مالکانه و فرمانفرمایانه نخواهند داشت؛ بلکه جایگاه و موقعیت خود را نعمتی می‌دانند که وسیلهٔ خدمت به مردمان است.

با چنین اصلی، خدمتگزاری به مردمان مطلوب‌ترین کارها شمرده می‌شود و در انجام دادن آن هیچ منتی نخواهد بود و هیچ بزرگنمایی در خدمات صورت نخواهد گرفت و هیچ پیمان‌شکنی و خلاف وعده‌ای اتفاق نخواهد افتاد.

علی(ع) در عهدنامهٔ مالک اشتر می‌فرماید: «بپرهیز که با نیکی خود بر مردمان منت گذاری، یا آنچه را کرده‌ای بزرگ بشماری، یا آنان را وعده‌ای دهی و در وعده خلاف آری، که منت نهادن اجر نیکی را ببرد و کار بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند و خلاف وعده، خشم خدا و مردم را برانگیزاند.»

کارگزاران به تناسب وظایفی که دارند مسؤولیت دارند و اصل مسؤولیت‌پذیری می‌آموزد که هر کس در هر مرتبه‌ای که باشد، نسبت به تمام امور و کارهای خود و مربوط به خود مسؤول و پاسخگو است. هیچ کارگزاری نمی‌تواند هرگونه که خواست با مردم رفتار نماید و خود را نیز پاسخگو نداند. بر این مبنا کسی حق کمترین اهانت و بی‌احترامی بر مردم ندارد؛ که افراد حتی نسبت به نوع نگاه و بیان و رفتار خود مسؤول‌اند.

انجام دادن کارها و خدمتگزاری از سر مهرورزی والاترین هنر در اخلاق اداری است. چنانکه اگر انجام دادن امور با مهرورزی توأم شود، صورتی زیبا و کاملاً انسانی می‌یابد و موجب پیوند جانها و الفت قلبها می‌گردد، و در رفتار و مناسبات اداری انقلابی معنوی به‌وجود می‌آورد. نیروی محبت از نظر اجتماعی نیروی عظیم و مؤثری است و بهترین اجتماع، آن اجتماعی است که با نیروی محبت اداره شود.

علاقه و محبت زمامدار، عامل بزرگی برای ثبات و ادامهٔ حیات حکومت است. تا عامل محبت نباشد، رهبری نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند، ولو اینکه عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. مردم آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و آن علاقه‌هاست که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشاند. قرآن به پیامبر در سورهٔ آل عمران آیهٔ ۱۵۹ خطاب می‌کند: «که به موجب لطف و رحمت الهی بر ایشان نرم‌دل شدی، که اگر تندخوی سخت‌دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌گشتند، پس از آنان درگذر و بر ایشان آمرزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن.» اخلاق اداری با هرگونه خودکامگی منافات دارد و در رفتار و مناسبات اداری هر صورتی از خودرأیی، خودسری، خودمداری و سلطه‌گری تباه‌کنندهٔ فرد و نظام اداری است.

امام علی (ع) در عهدنامهٔ خود به مالک اشتر می‌گوید: «مبادا بگویی که من اکنون بر آنان مسلط‌ام، از من فرمان دادن است و از ایشان اطاعت کردن، زیرا این کار دل را سیاه و تباه سازد و دین را پژمرده و بی‌آبرو نماید و نعمت را زایل و بلا و آفت را نزدیک گرداند.»

خودکامگی آدمی را به سرکشی و تعدی می‌کشاند و این امر در نظام اداری به‌دلیل وجود ارتباطات انسانی و لزوم خدمتگزاری بسیار خطرآفرین است. به‌گونه‌ای که به‌محض ظهور خودکامگی در کارگزاران و کارکنان نظام اداری، حقوق مردمان زیر پا گذاشته می‌شود و حرمت و کرامتشان شکسته می‌گردد و اموال و دارایی‌هایشان چپاول می‌شود و امورشان مختل می‌گردد.